

روش تحقیق تاریخی: شیوه‌ها و کاربردهای آن در ارتباطات

نوشته

منصور ساعی*

چکیده

هدف اصلی این مقاله تشریح روش تحقیق تاریخی و چگونگی به‌کارگیری و استفاده از آن به عنوان یک روش تحقیق در بررسی، تحلیل و تفسیر داده‌های تاریخی در رشته ارتباطات است. روش تحقیق تاریخی همانند دیگر روش‌های تحقیق مورد توجه و استفاده دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی و ارتباطات است. کاربرد این روش اگرچه ساده به نظر می‌آید اما مستلزم کار علمی دقیق، سیستماتیک و جامع برای بررسی داده‌های تاریخی و داده‌هایی که مشاهدات آن توسط دیگران صورت گرفته است می‌باشد. یکی از شکل‌های تبیین تاریخی روایت است، اگرچه در دهه اخیر محققان تاریخی بر تحلیل‌های تاریخی تأکید بیشتری دارند. هر دو روش طرفدارانی دارد، اما روایت به خاطر ویژگی تاریخی‌اش جلب توجه بیشتری کرده است. داده‌های تحقیق تاریخی از منابع دست اول و دست دوم به دست می‌آید. در منبع دست اول، گزارش‌دهنده واقعه خود شاهد و ناظر واقعه بوده است و در منبع دست دوم گزارش‌دهنده مشاهدات دیگران را گزارش کرده است. در تحقیق تاریخی برای تأیید مستندات و تعیین میزان اعتبار داده‌ها از نقد بیرونی و نقد درونی استفاده می‌شود. در این مقاله نگارنده بر آن است که ماهیت روش تحقیق تاریخی و ضرورت شناخت و کاربرد آن را در علوم انسانی و اجتماعی به‌ویژه ارتباطات مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله منظور از محقق تاریخی، مورخ نیست چرا که کار مورخ گزارش وقایع تاریخی است، در حالی که محقق تاریخی به دنبال بازسازی عینی و سیستماتیک گذشته به منظور تبیین وقایع تاریخی از طریق مراجعه به اسناد و بقایای تاریخی است.

کلید واژه: روش تاریخی، تعمیم و تبیین، روایت، تحلیل، منابع دست‌اول و دست دوم، نقد بیرونی، نقد درونی

ماهیت تاریخ و روش تاریخی

بسیاری از فیلسوفان و محققان تاریخی امروزه بر این باورند که بهترین و ساده‌ترین تعریف از تاریخ همان "مطالعه گذشته" است. مطالعه گذشته غالباً نیازمند تدابیر و تمهیدات توصیفی و

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی و دانشجوی دوره دکترای علوم

ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

تبیینی متفاوت از رشته‌های دیگر است. (Nord, 1989: 291). محقق زمانی از روش پژوهش تاریخی استفاده می‌کند که با مسئله‌ای برخورد کند که در گذشته روی داده و در گذشته خاتمه یافته باشد. به عبارت دیگر، محدوده‌ی زمان بسته شده است. مسئله می‌تواند مربوط به زمان نزدیک در گذشته و یا ریشه در حوادثی که چند قرن پیش روی داده، باشد (خلیلی شوورینی، ۱۳۷۵: ۶۷).

از نظر استفن ایزاک و ویلیام ب. مایکل در کتاب *راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی*، منظور از پژوهش تاریخی «بازسازی سیستماتیک و عینی گذشته است که از طریق گردآوری، ارزیابی، تعیین صحت و سقم و ترکیب حوادث به منظور اثبات وقایع و تحصیل نتیجه‌ای قابل دفاع صورت می‌گیرد و غالباً بر فرضیه‌ای معین مبتنی است (ایزاک، ۱۳۷۴: ۵۴)

پژوهش تاریخی مطالعه‌ی نظام‌مند و دقیق گذشته است و محقق تاریخی با مهارت تمام بر روی نکاتی درباره‌ی یک واقعه یا یک شخص کار می‌کند (Smith, 1989: 317). پژوهش تاریخی کاربرد روش علمی در مسائل تاریخی است. این پژوهش در حقیقت جست‌وجوی منظمی است در اسناد و مدارک و منابع دیگری که در زمینه‌ی مرتبط با سؤال محقق تاریخی درباره‌ی گذشته، حاوی حقایقی هستند. بنابراین پژوهش تاریخی ضرورتاً با وقایعی سروکار دارد که قبل از تصمیم پژوهشگر به مطالعه آنها به وقوع پیوسته است (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۴۳)

بورگ (۱۹۶۳؛ به نقل از کوهن و همکارانش، ۲۰۰۱) تحقیق تاریخی را «تعیین، ارزشیابی و ترکیب منظم و عینی اسناد و مدارک برای برقراری حقایق و ترسیم نتایج درباره‌ی رویدادهای گذشته» تعریف کرده است. برای مثال، محققى که قصد دارد درباره‌ی علل تغییر نظام آموزش و پرورش ایران در سال ۱۳۴۵ و به‌وجود آمدن سه دوره‌ی تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به جای دو دوره‌ی ابتدایی و متوسطه تحقیق کند، از روش تحقیق تاریخی استفاده می‌کند. هدف تحقیق تاریخی بازسازی گذشته در زمینه‌ی فرضیه‌ای است که در زمان حال تدوین می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۰). دستیابی به این هدف مستلزم جمع‌آوری اطلاعات به صورتی منظم، عینی، ارزش‌یابی و تلفیق اسناد و مدارک و بالأخره رسیدن به نتایج قابل دفاع است.

پژوهشگر در تحقیق تاریخی به یافتن داده‌های موجود می‌پردازد در حالی که در سایر روش‌های تحقیق پژوهشگر به «تولید داده‌های مورد نیاز» می‌پردازد. یافتن داده‌ها با استفاده از گزارش‌های رسمی، اسناد، مدارک، کتاب‌ها و مقالات و آثار باقی مانده از گذشته درباره‌ی موضوع مورد مطالعه انجام می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۲: ۱۲۳).

برخی از فیلسوفان همچون کالینگ وود، درای و مورخانی همانند بیکر و بیرد معتقدند که گذشتگی تاریخ باعث شده که تاریخ اساساً از علم و روش علمی متفاوت باشد. دانشمندان تجربی مستقیماً به مشاهده پدیده‌ها می‌پردازد اما محقق تاریخی با یک گذشته از دست رفته روبه‌روست. یعنی موضوع مورد مطالعه کاملاً غایب و جهت‌دار است. جهت‌دار از این نظر که وقایع معمولاً به شیوه‌های مختلف و به وسیله افراد متفاوت ثبت شده‌اند. به عنوان مثال، ثبت وقایع و تفسیر آنها ممکن است به‌دست یک خبرنگار، مخبر دادگاه و یا یک عکاس صورت گرفته باشد. تعصبات و علایق این افراد ممکن است موجب حذف برخی از مسائل و یا تفسیر اغراق‌آمیز مسائل دیگر شده باشد. (Nord, 1989: 99). از رویدادهای تاریخی تنها برخی از وقایع در خاطره‌ها مانده‌اند، تعداد کمی ثبت شده‌اند و تنها بخش کوچکی از رویدادهایی که ثبت

شده‌اند، باقی مانده‌اند تا محققان تاریخی آن را مطالعه کنند (Smith, 1989: 317). بنابراین به نظر می‌رسد که محقق تاریخی با داده‌های جهت‌دار و ناقص سروکار دارد.

محققان تاریخی به دنبال دلالت‌کننده‌های غیرقابل مشاهده می‌گردند. هیچ شخص امروزی ناصرالدین شاه را ندیده است. همین‌طور هیچ کسی یک نگرش و یا یک ویژگی فرهنگی و یک ذره اتمی را ندیده است. مورای مورفی در کتاب «دانش ما از گذشته تاریخی» این موضوع را به‌خوبی بیان کرده است. وی گفته است که امور و واقعیت‌های تاریخی بسیار شبیه به "ذرات اتمی" هستند. آنها سازه‌های تئوریک مسلم فرض شده و بدیهی برای تبیین و توصیف داده موجود هستند. از این نظر محققان تاریخی بسیار شبیه به دانشمندان عمل می‌کنند. محققان تاریخی شواهد و مدارک موجود را بررسی می‌کنند و از "تئوری‌ها" برای تبیین آن استفاده می‌کنند (Nord, 1989: 291). بنابراین دانش ما از گذشته، اساساً بر مدارک و شواهد استوار است.

تبیین و تعمیم در تاریخ

محقق تاریخی با تبیین تاریخی از مرزهای تاریخ‌نگاری فراتر می‌رود و وقایع را تابع عواملی چند می‌داند و تاریخ را صرفاً شرح زندگی چند امیر نمی‌پندارد. دانش تاریخی موردی یا منفرد است و در اصطلاح به آن غیرتعمیمی یا تفریدی می‌گویند. معنای آن این است که محقق تاریخ یک دوران را در نظر می‌گیرد، حوادث آن را به عنوان معلول مطرح می‌سازد و سپس در همان دوران عوامل را باز می‌یابد. برای مثال هرگز محقق که دوران قاجار را مطالعه می‌کند، می‌داند که تمامی دوران‌های تاریخ همانند دوران قاجاریه نیستند، او این دوران را خاص، متمایز و منحصر به فرد می‌داند و به همان اعتبار نیز به کار تحقیق در آن می‌پردازد. بنابراین در مقابل دانش‌های تعمیمی یا قانونمند، تاریخ را دانش تفریدی می‌گویند (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۲۱۲).

به دلیل جریان زودگذر و زمانمند تاریخ و دگرگونی وقایع در طول زمان، محققان تاریخی باید علاوه بر اینکه سعی در یافتن اظهارات و بیان‌های واقعی درباره وقایع گذشته داشته باشند، باید نتایج و پیامدهای این وقایع را نیز بررسی کنند. توصیف به‌هم پیوستگی وقایع در طول زمان، موضوعی است که محققان تاریخی به آن تفسیر یا تبیین می‌گویند و احتمالاً شکلی کاملاً متفاوت از تبیین در علوم دیگر به خود بگیرد. یکی از مستمترین مباحث میان محققان تاریخی بحث درباره تعمیم بوده است. روش پژوهش تاریخی به عنوان یک روش علمی سطوح متفاوت تعمیم را برای توصیف و تبیین داده‌های تاریخی به کار می‌گیرد.

از نظر بسیاری از محققان تاریخی، در روش تاریخی هدف از تعمیم، بیان قوانین کلی نیست و محققان تاریخی به این نوع تعمیم‌ها علاقه‌مند نیستند، بلکه آنان سعی می‌کنند یک واقعه خاص را در زمان و مکان خاص مورد بررسی قرار دهند. در هر حال امروزه اکثراً موافقانند که برخی تعمیم‌ها در شکل تبیین و یا توصیف اجتناب‌ناپذیر است.

یکی از شکل‌های تبیین تاریخی روایت است. اگرچه در دهه‌های اخیر محققان تاریخی بر تحلیل‌های تاریخی - که مشابه آزمون فرضیه‌ها و روش استدلالی و برهان‌آوری در علوم دیگر

است - تأکید بیشتری دارند. هر دو روش طرفدارانی دارد، اگرچه روایت به خاطر ویژگی تاریخی‌اش جلب توجه بیشتری کرده است.

آرتور دانتو معتقد است که تبیین‌های روایتی یکی از مواردی است که تاریخ را از علم جدا می‌کند. محققان تاریخی هنوز کاملاً آشکارا بر روایت تکیه می‌کنند. در عمل روایت یا تحلیل را بسته به مسائل ویژه موجود و در دسترسشان به کار می‌بندند. البته آنها غالباً هر دو روش را در آن واحد به کار می‌بندند. به علاوه این موضوع با تعمیم و با اهداف محقق در ارتباط است. روایت برای تشریح و تبیین وقایع و صحنه‌های تکرار نشدنی و خاص و یکتا بسیار مناسب است؛ تحلیل تاریخی معمولاً برای تعمیم فرایندهای تکرارشدنی و بازگشت‌پذیر بسیار مفید است. به طور خلاصه محققان تاریخی در روش و رویکرد بسته به اهدافشان متفاوت عمل می‌کنند. برخی به صحنه‌ها و وقایع بسیار خاص و تکرار نشدنی علاقه‌منداند و برخی به فرایندهای تکرارپذیر و عمومی علاقه‌مندند (Nord, 1989: 293).

دیوید پاول نورد در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت تحقیق تاریخی به دو نوع محقق تاریخی اشاره کرده است؛ یکی محقق تاریخی انسان‌مدار و دیگری محقق تاریخی علوم اجتماعی. از نظر نورد، محقق تاریخی انسان‌مدار اساساً به وقایع و صحنه‌های خاص تکرارناپذیر و یکتا و بی‌نظیر علاقه‌مند است و به دنبال این است که یک واقعه را با درک زمینه آن در زمان و مکان خاص و ویژه آن بررسی کند. انسان‌مدار ممکن است که ایده‌ها و روش‌های علوم اجتماعی را به کار گیرد، اما به دخالت دادن تئوری علوم اجتماعی علاقه‌مند نباشد. در انسان‌مداری، سبک و روش توصیف و تبیین غالباً روایت است. از این نظر می‌توان محقق انسان‌مدار را همان محقق مطالعات فرهنگی دانست که کمتر به دنبال تعمیم است و تنها به تبیین آن رویداد در آن زمان و مکان خاص می‌پردازد.

از طرف دیگر، محقق علوم اجتماعی به فرایندهای عام و تکرارپذیر علاقه‌مند است و عمدتاً به دنبال تعمیم‌ها و تئوری‌هایی برای تبیین انواع وقایع بدون توجه به زمان و مکان آن است. چنین محققانی غالباً روش‌های علوم اجتماعی را برای کمک به دسته‌بندی پدیده‌های تاریخی به کار می‌گیرند و به دنبال خلق تئوری اجتماعی هستند (مانند مارکس و تئوین‌بی). روش تبیین ممکن است روایت باشد اما غالباً به شکل تحلیل علمی است (Nord, 1989: 294).

محققان تاریخی انسان‌مدار با تعمیم مخالف نیستند. آنها پذیرفته‌اند که هر اظهار نظری درباره فعالیت‌های انسانی کم و بیش با میزانی تعمیم همراه است. چرا که فعالیت‌های انسانی از واقعیت جدا و به زبان بیان شده‌اند. اما به دو دلیل تعمیم هدف و سبک تاریخ انسان‌مدار نیست:

اولاً محقق تاریخی انسان‌مدار می‌پندارد که تعمیم سطح بالا در وقایع تاریخی غیر ممکن است. ثانیاً، وی معتقد است که درک گذشته نه از تعمیم که از توجه دقیق به تکرارناپذیرها و وقایع خاص و بی‌نظیر ناشی می‌شود.

جهت‌دار بودن وقایع تاریخی

در روش پژوهش تاریخی، شاهد و مدرکی که محقق باید با آن کار کند، نمونه‌ای جهت‌دار در مورد سندی در گذشته است و ماهیت این جهت‌گیری را نیز نمی‌توان معین کرد. به همین دلیل

تعمیم از طریق استنتاج آماری یا حتی از طریق عقل سلیم، آکنده از بی‌اطمینانی و عدم قطعیت است. مجموعه بی‌شماری از اسناد و مدارک مربوط به رفتار انسان‌های گذشته برجای مانده است، اما روابط روشن و عینی بین این اسناد و مدارک و جمعیت‌هایی که این اسناد به آنها تعلق دارد، ناشناخته و یا غیرقابل شناخت باقی مانده‌اند (Nord, 1989: 297). حتی هنگامی که شاهد یا مدرکی بسیار گویا و عینی است، شاید تعمیم آن به رفتار جمعی نامناسب باشد. از طرف دیگر، شاید محقق تاریخی به مطالعه گونه‌ها و دسته‌هایی از وقایع علاقه‌مند باشد که معدود و قلیل است، به طوری که تعمیم با خطر زیادی همراه باشد. محققان تاریخی وقایع تکرار ناپذیر و خاص را کشف و بررسی و دنبال می‌کنند. به خاطر اینکه چنین اکتشاف و بازیابی‌هایی گذشته را به مراتب بهتر از تعمیم‌ها تبیین می‌کند. محقق تاریخی همانند دانشمندان علوم اجتماعی با تبیین سروکار دارد اما تبیین رویدادهای تکرارناپذیر و خاص. این تبیین‌ها ممکن است شکل‌های ویژه‌ای همانند روایت یا داستان را به خود بگیرد (Ibid: 298).

محقق تاریخی انسان‌مدار یا همان محقق مطالعات فرهنگی گذشته را با تعریف داستان‌ها تبیین و تشریح می‌کند. سبک روایتی یا داستانی، صرفاً نوعی توصیف به‌نظر می‌رسد و در حقیقت آن شکل را به خود می‌گیرد. تبیین‌های تحلیل و تعمیم‌های علوم رفتاری شاید کمک کمی به درک فکر و عمل و واقعه‌ای منحصر به فرد و منفرد بکند، توصیف دقیق و نزدیک به شکل داستان و روایت می‌تواند بسیار قابل فهم و روشن باشد. اما روایت فراتر از یک توصیف است؛ روایت سازماندهی منطقی موارد، به ترتیب وقوع زمانی رویداد با هدف تبیین است. کار محقق تاریخی تبیین و تشریح تغییر در طول زمان با ایجاد پیوند از طریق روایت رویداد از لحظه شروع تا پایان آن است همچنین کار وی قدرت تبیین مرتب یک روایت در پیوند علمی بین هر مرحله و مرحله بعدی است. به بیان دیگر یک روایت شاید تنها پاسخ مناسب برای سؤالی است که محققان تاریخی می‌پرسند: «چه شد که ... چه شد که بن دی در سال ۱۸۲۳ نیویورک سان را بنیان نهاد؟» قانون کلی نمی‌تواند به این سؤال پاسخ دهد به خاطر اینکه قوانین کلی نمی‌توانند برای ما داستان تعریف کنند. بنابراین روایت نوعی تبیین است اما تبیین صرف نیست، یک روایت شناختی را ارائه می‌دهد که اصلاً تبیین نیست آن شناختی است که در طول بررسی و مطالعه و در طی رویارویی با غنای خود واقعه به دست می‌آید.

این مسئله شاید کار اصلی محقق تاریخی انسان‌مدار باشد. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ محققان تاریخی به مطالعه ساختار اجتماعی و روش‌ها و الگوهای علوم اجتماعی بازگشتند. در حقیقت، انسان‌مداری رو به زوال رفت و برعکس علوم اجتماعی با خود اتکایی تمام سیر صعودی گرفت. اما این روند ادامه پیدا نکرد. به طوری که نه تنها تاریخ انسان‌مدار روایتگر ادامه پیدا کرد، بلکه یک دوره احیا و بازخیزی در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت. به عبارتی با وجود علاقه به روش‌های علوم اجتماعی محققان تاریخی همچنان به نتایج فکر و عمل انسانی منحصر بفرد و یگانه علاقه‌مند ماندند (Ibid: 297-99).

آیا روش تاریخی روشی علمی است؟

در مورد علمی بودن یا نبودن روش تحقیق تاریخی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. دیدگاه‌های ارائه شده در این زمینه را می‌توان به دو گروه مخالف و موافق تقسیم‌بندی کرد. در ادامه به دیدگاه‌های مخالف و موافق در این زمینه می‌پردازیم.

الف. دلایل و دیدگاه مخالفان

۱. اگرچه هدف علم پیش‌بینی است، تاریخ‌نویسان همیشه نمی‌توانند امور را بر اساس وقایع گذشته تعمیم دهند. وقایع گذشته اغلب برنامه‌ریزی نشده و یا طبق برنامه تحول نیافته‌اند، بنابراین عوامل کنترل نشده که روایی و تعمیم‌پذیری آن را محدود می‌سازند، زیادند.
۲. محققان تاریخی باید بر مشاهدات گزارش‌شده دیگران تکیه کنند، که اغلب صلاحیت این افراد و گاهی نیز عینیت گزارش‌های آنان مورد تردید است.
۳. محقق تاریخی مانند کسی است که سعی می‌کند معمای پیچیده‌ای را که بیشتر قسمت‌های آن حذف شده است، کامل کند. او باید بر اساس شواهدی که اغلب نیز ناقص است، آنچه را که اتفاق افتاده و دلیل وقوع آن را استنباط و شکاف موجود را پر کند.
۴. مطالعه تاریخی برخلاف تحقیقات آزمایشی در یک محیط و نظام بسته و محدود عمل نمی‌کند، تاریخ‌نویس نمی‌تواند شرایط مشاهده را کنترل و متغیرهای مهم را دستکاری کند.

ب. دلایل و دیدگاه موافقان:

۱. محقق تاریخی حدود یک مسئله را مشخص و فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق را مطرح می‌کند، داده‌های اولیه را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نموده، هماهنگی یا ناهماهنگی فرضیه‌ها را با شواهد موجود می‌آزماید و تعمیم‌ها و نتایج را تنظیم می‌کند.
۲. هر چند محقق تاریخی خود ممکن است شاهد رویدادهای گذشته نباشد و یا به‌طور مستقیم داده‌ها را جمع‌آوری نکرده باشد، اما ممکن است گواهی عده‌ای از شاهدانی که رویدادها را از دیدگاه‌های مختلف مشاهده کرده‌اند را در اختیار داشته باشد. وقایع بعدی ممکن است برخی اطلاعات اضافی را فراهم کرده باشد که مشاهده‌کنندگان معاصر به آن دسترسی ندارند. محقق تاریخی به دقت رویدادها را مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار می‌دهد تا اعتبار و صحت و دقت آن را بررسی کند.
۳. محقق تاریخی نیز در نتیجه‌گیری‌های خود همانند دانشمندان علوم مادی و فیزیکی از اصول احتمال پیروی می‌کند.
۴. اگرچه محقق نمی‌تواند متغیرها را به‌طور مستقیم کنترل کند اما باید دانست که این محدودیت ویژگی بیشتر تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری، به ویژه تحقیقات غیرآزمایشی است.
۵. اگرچه مشاهدات محققان تاریخی معمولاً به صورت کیفی توصیف می‌شوند نه به صورت کمی، فقدان از اندازه‌گیری‌های کمی، محقق را از کاربرد روش‌های علمی در فعالیت‌های خود باز نمی‌دارد، زیرا توصیف کمی و کیفی هر دو برحسب مناسبت در سایر تحقیقات علمی نیز به کار می‌رود (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۱ و ۱۹۲).
۶. با بررسی حوادث و رویدادهای تاریخی، می‌توان تا حدی قابلیت پیش‌بینی پدیده‌ها را به‌دست آورد برای مثال علل سقوط حکومت‌های سلطنتی و رژیم‌های نامردمی در طول تاریخ قابلیت پیش‌بینی سقوط یک دولت نامردمی را ارائه می‌دهد (خلیلی شورینی، ۱۳۷۵: ۶۸).

مراحل اجرای پژوهش تاریخی در ارتباطات

همان‌طور که قبلاً اشاره شد در روش تاریخی محقق به یافتن داده‌های موجود می‌پردازد. در حالی که در سایر روش‌های تحقیق، پژوهشگر به تولید داده می‌پردازد. البته در این روش نیز پژوهشگر مشابه سایر روش‌ها به جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی و توصیف و تبیین آنها می‌پردازد. در واقع اختلاف این روش با سایر روش‌ها در ماهیت موضوع گریزایی است که در گذشته روی داده و همین امر موجب پیچیدگی‌هایی در تفسیر است.

مراحل روش پژوهش تاریخی عبارت‌اند از:

۱. تعیین، تحدید کردن و تعریف مسئله (بیان مسئله)
۲. تدوین فرضیه‌ها و صورت‌بندی سؤالات
۳. گردآوری داده‌ها و اطلاعات (از منابع دست اول و دوم)
۴. ارزش‌یابی، تعیین اعتبار و مستندسازی داده‌ها (انتقاد بیرونی و درونی)
۵. نتیجه‌گیری و تبیین یافته‌ها (گزارش نتایج) (دلاور، ۲۳۵: ۱۳۸۰)

۱. تعیین و تحدید تعریف مسئله

همانند سایر روش‌های تحقیق، مراحل آغازین تحقیق تاریخی شامل انتخاب موضوع، بیان مسئله و گزاره‌های تحقق است. در تحقیق تاریخی بیان مسئله با تفصیل بیشتری صورت می‌گیرد. زیرا تصویر ویژگی‌ها و ابعاد مسئله تحقیق می‌تواند تشخیص داده‌های مورد نیاز را تسهیل کند و دشواری گردآوری داده‌های لازم را مجسم سازد. معمولاً پژوهشگرانی که یک موضوع را بالقوه برای اجرای تحقیق تاریخی انتخاب می‌کنند برای بیان مسئله به دشواری گردآوری داده‌ها پی می‌برند. اما چنانچه قبل از آغاز پژوهش بیان مسئله به تفصیل صورت نگرفته باشد، پژوهشگر به سهولت یا دشواری موضوع پژوهش پی نخواهد برد. بدین‌سان ممکن است از اجرای تحقیق تاریخی پس از گذشت مدتی نسبتاً طولانی منصرف شود.

پاسخ به چهار سؤال زیر می‌تواند انتخاب موضوع و بیان مسئله را تسهیل کند:

- رویداد مورد بررسی در کجا رخ داده است؟
- چه کسانی با این رویداد سر و کار داشته‌اند؟
- در چه زمانی این رویداد واقع شده است؟
- چه فعالیت‌هایی در این مورد صورت گرفته است؟

بنابراین می‌توان گفت که طیف پاسخ‌ها به هر یک از سؤال‌های یاد شده می‌تواند گستره مسئله مورد مطالعه را وسیع‌تر یا محدودتر کند. شک نیست که در این مرحله ضمن بیان ویژگی‌های مسئله، گستردگی محیطی که مسئله در آن بروز نموده است، نیز توصیف می‌شود. در این مرحله همچنین باید به علل احتمالی بروز مسئله اشاره شود.

انگیزه پژوهشگر و علاقه او به فعالیت‌های پژوهشی، و نیز کنجکاوی در مسائل تاریخی می‌تواند در انتخاب موضوع، بیان مسئله و حتی در تحلیل و تفسیر داده‌ها نقش مهمی ایفا کند (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۷۶: ۱۲۴ و ۱۲۳).

۲. تدوین فرضیه‌ها و صورت‌بندی سؤالات

بعد از تعریف و تحدید مسئله نوبت به تدوین سؤالات و فرضیه‌ها می‌رسد. پژوهش تاریخی زمانی آغاز می‌شود که حادثه یا تجربه‌ای در گذشته مورد سؤال باشد.

دیوید فیشر محقق تاریخی را به عنوان کسی معرفی می‌کند که با یک سؤال باز به سراغ وقایع گذشته می‌رود و آن سؤال باز را با امور عینی یا واقعیت‌های گزینش شده پاسخ می‌دهد. به طوری که آن را به شکل یک پارادایم تبیینی تنظیم می‌کند. این سؤال و پاسخ آن با یکدیگر همخوانی دارند. پارادایم تبیینی شکل‌های گوناگون روایت یا تحلیلی (آماری) به خود می‌گیرد و همیشه در برگیرنده آزمون دقیق و سیستماتیک رویدادها و وقایع ثبت شده و برجای مانده از گذشته است که به شیوه‌ای انتقادی نوشته شده و در جست‌وجوی واقعیات کامل است (Smith, 1989: 317).

تلاش‌های بسیاری از محققان تاریخی به دلیل فقدان سؤال تحقیق یا مسئله تحقیق با شکست روبه‌رو شده است. دیوید فیشر سؤال تحقیق را به عنوان "لوکوموتیو عقل" توصیف کرده است، یعنی ماشین‌های مغزی که انرژی را به جنبش در می‌آورد و حس کنجکاوی را به تحقیق نظام‌مند و کنترل شده تبدیل می‌کند.

شرط اول در جست‌وجوی سؤال تحقیق، داشتن اطلاعات و دانش جامع درباره موضوع تاریخی مورد مطالعه است. مهم‌ترین رویکرد در صورت‌بندی سؤال برای یک تحقیق تاریخی احاطه کامل به متون تاریخ و غوطه‌وری و اشراف کامل در داده‌های تاریخی است.

با این شیوه محقق تاریخی، به اختیار خود حوزه غوطه‌وری خود، حدود مرزهای جغرافیایی، حدود بیوگرافی، حدود سلسله مراتب تاریخی و ... را محدود می‌کند. مثلاً محقق موضوع مورد مطالعه خود را به یک منطقه جغرافیایی با یک نوع نشریه‌ها و انتشارات محدود می‌کند. این تحدید در طول فرایند صورت‌بندی سؤال تحقیق ادامه پیدا می‌کند (Ibid: 318).

در اصل، غوطه‌وری و اشراف به موضوع، جست‌وجوی ادبیات تحقیق را برای محقق ارتباطات آسان می‌سازد. منابع متعددی وجود دارد که راهنمای مفیدی برای تعقیب شواهد و مدارک است. جست‌وجوی الکترونیکی و بانک‌های اطلاعاتی اکنون به ابزارهای معمول و مناسبی برای محققان تاریخی تبدیل شده‌اند. محقق باید تعداد زیادی از مرجع‌های کتابشناختی استاندارد و سستی تاریخ را بررسی کند. همچنین نمایه‌های ادواری، نمایه‌های روزنامه و مرجع‌هایی مانند (روزنامه و مورخ) کتاب‌های راهنما، مجموعه‌های اسناد دولتی و دست‌نوشته‌ها و ... بسیار مفیدند. محقق محتاط و هشیار نمی‌تواند مجموعه تاریخ شفاهی همانند مجموعه نوارهای پخش صوتی و تصویری و مواد چاپی و عکس‌ها ... را نادیده بگیرد.

پس از غوطه‌وری و اشراف کامل و توجه به وسعت داده‌های موجود و در دسترس در حوزه مورد علاقه، محقق بر روی بخش بسیار ویژه‌ای از داده‌ها تمرکز می‌کند. برخلاف محققین در سایر رشته‌ها، محقق تاریخی پس از تعیین حدود فرایند غوطه‌وری در موضوع، فرضیه آن را صورت‌بندی می‌کند، زیرا پایگاه‌های اطلاعاتی و داده‌های مناسب عامل اصلی در شکل‌گیری سؤال تحقیق است.

به خاطر ماهیت داده‌های تاریخی و نواقص احتمالی آن، سؤال تاریخی باید بدون جهت و بی‌طرفانه ارائه شود. البته با دارا بودن آمادگی پذیرش پاسخ‌های مثبت و منفی (بله و خیر) (Ibid: 319)

سؤالاتی که به منظور تحلیل روابط بین متغیرهای تاریخی ارائه می‌شود، باید با تئوری‌های ارتباطات همخوانی داشته باشد. یک سؤال باید اولاً ارزش پرسیدن داشته باشد. محقق شاید پایگاه اطلاعاتی و داده‌ای جدیدی را کشف کرده باشد که به دلیل اهمیت‌اش مستلزم تحقیق باشد و ممکن است پایگاه اطلاعاتی موجود تفسیر نوینی از تاریخ نوشته شده را به دست دهد، که هم معتبر و هم قابل اثبات باشد. همه مفاهیم و اصطلاحات سؤال تحقیق تاریخی باید قابلیت تعریف عملیاتی داشته باشند. این امری بسیار معمول در علوم رفتاری است اما به هر حال محقق تاریخی نیز نمی‌تواند به این بخش اساسی از فرایند تحقیق بی‌اعتنا باشد. تعریف عملیاتی، عملیاتی ویژه را توصیف می‌کند که محقق به منظور کشف بود و نبود یک ویژگی و صفت مورد مطالعه انجام می‌دهد. از این نظر تعریف عملیاتی مقولات و دسته‌بندی‌هایی را ایجاد می‌کند. مثلاً یک محقق تاریخی شاید بپرسد که آیا در یک دوره زمانی و حوزه جغرافیایی معین رابطه‌ای میان درآمد آگهی روزنامه و محتوای سیاسی روزنامه وجود دارد؟ تعریف عملیاتی آگهی می‌تواند مجموعه کل درآمد سالانه آگهی براساس ترازنامه سازمانی گزارش شود و یا شاخص‌های اقتصادی دیگری همانند میانگین سالانه تعداد ستون‌های آگهی ملاک باشد.

همچنین لحن و زبان و بیان سؤال باید صریح، روشن و دقیق و جامع باشد. سؤال نباید مبتنی بر فرضیات اثبات نشده باشد، سؤال تحقیق تاریخی باید باز باشد تا انواعی از امور واقعی یا واقعیت‌ها در پاسخ به سؤال ارائه شوند.

سرانجام، سؤال تحقیق باید به اندازه کافی قابل انعطاف باشد تا بتواند هنگام پیشرفت مطالعه، اصلاح و تعدیل شود و در مراحل مختلف مطالعه، تصحیح و اصلاح شوند. محقق تاریخی ارتباطات، سؤال تحقیق را با استفاده از تخیل و به‌درستی خلق می‌کند تا به روشنی روابط مشاهده شده موجود را در داخل پارامترهای معین زمانی و مکانی معین در تاریخ تعریف کند. (Ibid: 21-320)

۳. گردآوری اطلاعات و داده‌ها

یکی از عمده‌ترین وظایف هر محقق تاریخی ارتباطات، دستیابی به منابع اطلاعاتی و جمع‌آوری مهم‌ترین اطلاعات موجود برای حل مسئله تحقیق است. هر شیء یا سند ثبت شده‌ای که به نظر برسد منبع اطلاعاتی بالقوه‌ای درباره گذشته است، مورد توجه محقق قرار می‌گیرد.

از آنجا که او قادر به مشاهده حوادث گذشته نیست، بنابراین او تلاش می‌کند تا بهترین منابع اطلاعاتی در دسترس را پیدا کند. منابع اطلاعاتی معمولاً به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: منابع دست اول و منابع دست دوم هر یک از این منابع نیز ممکن است به صورت مدارک کتبی، مدارک شفاهی، یا اسناد و آثار باستانی باشند. مدارک قسمت اعظم منابع تاریخی را تشکیل می‌دهند و به منظور انتقال اطلاعات نگهداری می‌شوند (دلاور ۱۳۸۰: ۲۳۸).

دکتر بهروز نبوی در کتاب روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی اسناد و مدارک تاریخی را چنین طبقه‌بندی کرده است:

الف. منابع نوشته. مهم‌ترین منابع مکتوب عبارت‌اند از کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، شرح وقایع تاریخی، وقایع سالانه، سالنامه‌ها، بیوگرافی‌ها، شرح خاطرات، نامه‌ها، شجره‌نامه‌ها، اسناد تاریخی و سفرنامه‌ها.

ب. منابع شفاهی. عبارت است از منابع و مطالبی که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، مثل تصانیف و اشعار، داستان‌ها و افسانه‌ها، اساطیر، ضرب‌المثل‌ها و رسوم و سنن ملی.

ج. منابع هنری. مثل نقاشی‌های تاریخی، مجسمه‌های تاریخی، غیره ...

د. وسایل مادی. مثل سفال‌ها، سکه‌ها، ظروف، آلات و ابزار، کتیبه‌ها.

هـ. منابع سمعی و بصری. مثل فیلم، نوار صوتی، صفحه و غیره ...

و. منابع باستانشناختی. مثل آثار تاریخی، مقبره‌ها، محل‌های مسکونی مربوط گذشتگان (نبوی، ۱۳۶۱: ۴۵ و ۵۵).

دکتر علی دلاور نیز در کتاب مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و رفتاری اسناد و مدارک را چنین دسته‌بندی کرده است:

۱. مدارک رسمی. مانند قانون فهرست مالیاتی، آمار حیاتی، گزارش رسمی هیئت دولت و بودجه

۲. مدارک شخصی. مانند یادداشت‌های روزانه، دفتر خاطرات، زندگی‌نامه‌نویسی مکاتبات و مقالات.

۳. مدارک تصویری: مانند عکس، فیلم، میکروفیلم، اسلاید، نقاشی و طرح.

۴. مدارک چاپ شده: روزنامه‌ها و مجلات مختلف.

۵. مدارک مکانیکی: نظیر نوارهای ضبط‌شده (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۳).

منابع دسته اول

شامل گزارش شاهدان عینی است. به عبارت دیگر منابعی دست اول هستند که بازگوکننده آنها (کتبی یا شفاهی) در زمان حادثه حضور داشته است. از جمله منابع دسته اول اسناد و مدارک است که شرکت‌کنندگان در واقعه و یا شاهدان عینی آنها را نوشته و نگهداری می‌شود. (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۲). این منابع ممکن است به صورت آثار و بقایای مربوط به یک شخص، گروه یا دوره تاریخی باشد، مانند اسلحه، لباس، ساختمان، تابلوهای نقاشی و سکه که ممکن است به صورت شفاهی یا کتبی گزارش شده باشند. اسناد و مدارکی که به عنوان منابع دسته اول طبقه‌بندی می‌شوند عبارت‌اند از قانون اساسی، چارت، قوانین حقوقی و قضائی، فرمان‌ها، رأی دادگاه‌ها، نامه‌ها، دفترهای خاطرات، شجره‌نامه‌ها، گواهی نامه‌ها، روزنامه‌ها و مجلات نقشه‌های و کتاب‌ها، نمودارها، فیلم‌های، عکس‌ها، نقاشی‌های آگهی‌های تجاری و ...

همان‌طور که قبلاً گفته شد، محقق تاریخی ارتباطات نمی‌تواند حوادث گذشته را مشاهده کند، بنابراین باید سعی کند که بهترین مدارک را از بین منابع دست اول موجود به دست آورد. علاوه بر این محقق باید سعی کند که اشیای واقعی به کار رفته در گذشته را به‌طور مستقیم مورد

آزمایش قرار دهد، تأکید بر منابع دست اول و تعیین صحت و سقم آنها از اهمیت شایانی برخوردار است. زیرا این منابع مواد اولیه پژوهش تاریخی‌اند. مثلاً اگر موضوع تحقیق «بررسی وضعیت اجتماعی زنان در دوران پهلوی دوم» باشد تمام کسانی که قبل از انقلاب اسلامی به سن تشخیص رسیده و شاهد امور بوده‌اند، جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. همچنین عکس‌ها، نقاشی‌ها و فیلم‌ها و سایر مواردی که مربوط به آن دوران باشد جزو منابع دست اول محسوب می‌شوند.

منابع دست دوم

منابعی هستند که راوی (کتبی یا شفاهی) به‌طور مستقیم آنها را مشاهده نکرده و در زمان حادثه نیز حضور نداشته است و مطالب خود را از شخص دیگری که در صحنه حضور داشته یا نداشته است، نقل می‌کند. بنابراین غالب گزارش‌های تاریخی جزو منابع دست دوم‌اند، زیرا مورخ به‌ندرت حوادث گذشته را به‌طور مستقیم مشاهده کرده است. نویسندگان منابع دست دوم غالباً در جریان وقوع حوادث نیستند آنها آنچه را که شخص دیگری گفته یا نوشته است گزارش می‌کنند. اطلاعاتی که از منابع دست دوم کسب می‌شود غالباً دارای ارزش کمتری هستند، زیرا غالباً انتقال اطلاعات از شخص به شخص دیگری با دخل و تصرف و اشتباه انجام می‌گیرد. بیشتر کتاب‌های تاریخی و دایرة‌المعارف‌ها جز منابع دست دوم هستند (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۴۰). برخی منابع ممکن است برای پاره‌ای اهداف منابع دست دوم باشند و برای بعضی هدف‌های دیگر منابع دست اول به‌شمار روند؛ کتاب درسی تاریخ در دبیرستان‌ها معمولاً یک منبع دست دوم است، اما اگر کسی بخواهد تغییراتی را که در تأکید بر «ملی‌گرایی» در کتاب‌های درسی تاریخی دبیرستان‌ها روی داده باشد، مطالعه کند، مطالعه این کتاب‌ها جزو اسناد یا منابع دست اول به‌شمار می‌رود. بنابراین یک طبقه‌بندی قاطع از منابع همیشه امکان‌پذیر نیست. زیرا هم اطلاعات دست اول و هم اطلاعات دست دوم ممکن است در یک گزارش جای داشته باشند. محقق به جای مطالعه تصاویر یک مدرسه یا آزمایشگاه‌های قدیمی باید شخصاً از این مکان‌ها بازدید کند. منابع دست اول برای یک محقق تاریخی بسیار ارزشمند است. به منابع دست دوم هرگز نمی‌توان به‌طور کامل اعتماد کرد، اما آنها نیز مفیدند. امکان دارد که این منابع محقق را با مسائل نظری عمده در زمینه کارش یا کارهای انجام شده در زمینه مورد مطالعه‌اش آشنا کند.

ممکن است برای تدوین بهینه مسئله و یا فرضیه‌های عملی امکان‌آتی ارائه دهد و محقق را به منابع مهم دست اول راهنمایی کند. محقق ممکن است برای بررسی یک دیدگاه کلی در مورد مسئله و یا برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سابقه تحقیق و برای ایجاد یک نظم کلی در مورد مسئله از منابع دست دوم استفاده کند (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۵).

۴. ارزشیابی، تعیین اعتبار و مستندسازی داده‌ها

از آنجا که داده‌های تاریخ از منابع استخراج می‌شوند، محقق تاریخی ارتباطات باید خیلی دقیق به بررسی منابع بپردازد و میزان اطمینان از صحت و سقم منابع را تعیین کند. روشن ساختن

اینکه سند یا مدارکی دارای اشتباه‌های عمدی یا غیرعمدی است، یکی از کارهای ضروری محقق است. محقق کارآزموده با نگرش انتقادی به مدارک و اسناد توجه می‌کند.

کار محققان تاریخی بسیار مشابه کار یک کارآگاه پلیس در هنگام یافتن و کشف و تحلیل منابع دست اول برای سنجش اعتبار و سندیت آنهاست. همان‌طور که قبلاً گفته شد بسیاری از منابع دسته دوم به شرط آنکه به صورت گزینش شده و مناسب مورد بررسی قرار گرفته باشند، می‌توانند برای محقق تاریخی دارای ارزش باشند.

منابع دسته اول اساساً شواهد و مدارک عینی هستند. منبع دست اول شخص یا شیء (نوار ضبط شده یا دوربین) است که رویدادها و وقایع را نشان می‌دهد و روایتگر آنهاست. ضرورتی ندارد که منبع دست اول، نسخه اصلی باشد، اما باید شاهدهی دست اول باشد. برای مثال ممکن است یک منبع دست اول یک کپی از دست نوشته‌های اصلی حاوی مدرک عینی باشد.

بسیاری از محققان منابع دست اول را به اسناد و آثار ضبط و ثبت شده و آثار به‌جا مانده از گذشته و بقایا دسته‌بندی کرده‌اند. سندها با آثار و بقایای به‌جا مانده از گذشته تفاوت دارند. سندها و آثار ثبت و ضبط شده مدارک عینی تعدی هستند، به این معنی که باید انگیزه نگهداری این سند همانند محتوای آن مورد بررسی و ارزشیابی قرار گیرد. مدرک عینی تعدی شاید موجب ابهام در تفسیر یک واقعه تاریخی شود. اکثر سندها به شکل اسناد نوشتاری‌اند اما ممکن است به شکل شفاهی یا آثار هنری (همانند فیلم) نیز باشند.

بقایای به‌جامانده از گذشته، با وجود اهمیت و اعتبار عینی‌شان، برای اهداف دیگری غیر از پایگاه اطلاعاتی برای محققان تاریخی آینده نگهداری می‌شوند. اکثر بقایای بر جای مانده به‌خاطر اینکه نهادها برای نگهداشتن چنین مدارک تاریخی موجباتی را فراهم کرده‌اند، به‌خوبی ضبط و ثبت شده‌اند. زبان رسوم و سنت‌های یک منطقه و مصنوعات مانند ابزارها و ماشین آلات نیز به‌عنوان آثار و بقایای گذشته محسوب می‌شوند.

بسیاری از اسناد نهادها و سازمان‌ها همانند اسناد دولتی ممکن است با انگیزه‌های گوناگونی ثبت شده باشند؛ مثلاً به منظور تسهیل امور روزمره دولت یا به دلیل باقی گذاشتن یک سند تاریخی مطلوب از برخی گروه‌های خاص قدرت. اولویت محقق تاریخی این است که مدرک جزو منابع دست اول باشد و چنین مدرکی را باید به منظور تشخیص قابلیت اعتبار و سندیت آن تحلیل کند. با گذشت زمان تأیید و اثبات اعتبار و سندیت یک مدرک با دشواری همراه می‌شود؛ یک مدرک مستند و معتبر مبتنی بر شاهدهی عینی است نه مبتنی بر یک شاهدهی جعلی.

محقق تاریخی باید ابتدا داده‌ها و اطلاعات یک مدرک را تأیید کند و معین کند که آیا این موارد (مثلاً جوهر، کاغذ، نوار فیلم) در آن زمان وجود داشته است. یک دست نوشته غیرمعتبر را می‌توان با مدرک و سند دست اول دیگر که قبلاً تأیید شده مطابقت داد، تا صحت و سقم آن مشخص شود. سبک و شیوه نوشتاری مدرک باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و محقق تاریخی باید بررسی کند که آیا دیدگاه‌هایی که در این سند بیان شده با دیگر دیدگاه‌های ثبت شده در این سند هماهنگی و مطابقت دارد. ارجاع‌های بی‌مورد و ناهمخوان (از نظر تاریخ وقوع رویداد در سند) نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر اسناد معتبر و مستند همانند گل‌های سوسن در مزرعه ظاهر نمی‌شوند و نمی‌شکفتند! ممکن است سندی در جایی که از جایگاه قانونی برخوردار است پیدا شود، همانند یک مخزن و اسناد دولتی. با وجود آنکه امروزه محقق

انتظار دارد که قابلیت اعتبار اسناد به دست آمده از مخازن از قبل، اثبات شده است، اما محققان تاریخی بدون پرسیدن بسیاری از این سؤالات نمی‌توانند مسیر تحقیق را به پیش ببرند (Smith, 1989: 321-22). تاچه اندازه و با چه درجه‌ای مدرک مستند دارای اعتبار است؟ اخیراً محققان تاریخی رادیکال تأکید کرده‌اند، همان‌طور که نمی‌توان تاریخ انقلاب آمریکا را از طریق نوشته‌های جورج واشنگتن نوشت، همان‌طور هم نمی‌توان قضیه واترگیت را تنها از طریق خاطرات ریچارد ام. نیکسون ترسیم کرد. مثلاً نامه‌ها به‌طور خاص آمادگی شکست در آزمون‌های قابلیت اعتبار را دارند. همان‌طور که نوینس هم اشاره کرده، بسیاری از افراد زمانی که قلم را به دست می‌گیرند شخصیت خود را تغییر می‌دهند و به‌گونه‌ای دیگر آن را جلوه می‌دهند.

لوئیس گاتشاک یک محقق تاریخی گفته است که مدرک و شاهد معتبر همان چیزی را که واقعاً روی داده گزارش نمی‌کند بلکه نزدیک به آن چیزی را گزارش می‌کند، که واقعاً اتفاق افتاده است که ما با بررسی مهم‌ترین منابع موجود به آن دست می‌یابیم.

عکس‌ها، نامه‌های شخصی محرمانه و خودنگاشته عمدتاً دارای اعتبار بالایی هستند. همین‌طور یادداشت‌های شخصی، خاطرات روزانه ضبط شده روی نوار، یادداشت و نامه‌های غیررسمی درون سازمانی و مصنوعات از اعتبار بالایی برخوردارند.

محقق باید در نظر داشته باشد که همه آنچه که در مورد یک رویداد نوشته و گفته شده ثبت و ضبط نشده است و بسیاری از آنچه که ثبت شده برجای نمانده است. یکی از نشانه‌های یک مدرک معتبر مجاورت فیزیکی شاهد عینی به وقایع توصیف شده و مجاورت زمانی شاهد به واقعه است. برای مثال خاطرات بیش از گزارش‌ها، اندیشه‌ها و تفکرات را بازتاب می‌دهند.

به دلیل عامل زمانی، روزنامه‌ها، مجلات و نوارهای صوتی و تصویری منابع دست اول مناسبی هستند. با وجود این، با این منابع نیز باید با احتیاط رفتار کرد. محقق تاریخی باید به لحن و آهنگ رسانه خبری و چگونگی تأثیرگذاری در حین گزارش رویدادها توجه کند، به پایبندی رسانه خبری به استانداردهای پذیرفته شده اخلاقی و حرفه‌ای روزنامه نگاری و به درجه و میزان کنترل متغیرها به دست ناشر توجه داشته باشد.

رابرت وینکس اشاره کرده است که روزنامه‌ها نه تنها محصول انسان‌های جایز الخطا هستند، بلکه محصول انسان‌های جایز الخطای تحت فشار و تحت تملک نیز هستند. در برخی موقعیت‌ها افرادی از روزنامه‌ها در جهت منافع خودشان استفاده می‌کنند و یا حتی آگهی دهندگان نیز چنین مقاصدی دارند.

یک احتیاط ویژه در سنجش قابلیت اعتبار شاهد و مدرک، اثر زمان است. همانند هر پدیده فرهنگی زبان در طول زمان تغییر می‌کند و معانی جدید نمی‌توانند بر کلماتی که در ۲۰۰ یا حتی ۱۰ سال پیش به کار می‌رفتند، تحمیل شوند. محققان تاریخی بر این باورند که برای اینکه واژه‌ای بتواند شاهدهی معتبر باشد باید معنای واقعی آن واژه تنها در زمینه خاص زمانی و مکانی آن دوره خاص خود استنباط شود و اینجا دیگر حدسیات جایگاهی ندارند. بنابراین باید توجه کرد که اسناد دست اول در زمینه و بافت خاص خود مورد ارزشیابی و بررسی قرار گیرند. نوینس خاطر نشان کرده که مدرک و شاهد فرعی باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد و در درجه پایین‌تر شاهد اصلی و مستقیم باشد. محقق تاریخی باید مراقب احتمالات فریبنده مدرک

فرعی باشد. این چنین پیچیدگی‌های تفسیر و بررسی مدارک نباید محقق تاریخی را گمراه کند. چرا که صورت‌بندی یک سؤال تحقیقی صریح و روشن به بررسی سیستماتیک همه منابع پاسخگویی احتمالی کمک می‌کند.

در حقیقت اجماع بین محققان تاریخی این است که مدرک و شاهد باید به‌طور واضح و با شهادت شاهد عینی مستقل تایید شود. تصویر سازی و تخیل و خلاقیت محقق را به سوی اثبات داده‌ها و تعیین صحت و سقم آنها سوق می‌دهد، البته نه از طریق پرونده‌های دستنویس شده کتابخانه‌ها، بلکه از طریق ته چک‌های شخصی و تجاری، رسیدها، اسناد شرکتی، اسناد مالی، اسناد قانونی، (همانند گواهی نامه، وصیت نامه، و یادبودهای پیوندها و...).

منابع دست دوم در تحقیق تاریخی می‌توانند در تأیید زمینه تاریخی مسئله تحقیق مفید باشند. محققان تاریخی اغلب به منابع دست دوم به منظور تدوین فرضیات و سؤالات تحقیق نگاه می‌کنند؛ برای مثال نتایج تحقیق فردریک سیبرت در مورد رابطه دولت و رسانه‌های خبری، سؤال تحقیق یک محقق تاریخی معاصر را فراهم کرد. البته این محقق تاریخی برای گرفتن پاسخ به منابع دست اول مراجعه کرد. منابع دست دوم به ویژه با فراهم کردن راهنمایی‌هایی در مورد کتاب‌شناختی مدارک در فرایند غوطه‌وری در موضوع مورد مطالعه بسیار ارزشمند هستند. در همان حال هنگامی که منابع دست اول از بین رفته‌اند، منابع دست دوم با ارائه شهادتی عینی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. در چنین مواردی محقق تاریخی به این سؤال نیاز دارد که آیا شاهد عینی و دلالت‌کننده، احتمال دارد که به شکل نادرست و غیر واقعی گزارش شده باشد. (Ibid: 322-25)

به‌طور کلی برای ارزش‌یابی منابع تاریخ توجه به دو نقد یا دو صافی ضروری است؛ نقد بیرونی و نقد درونی

۱. نقد بیرونی. از طریق انتقاد بیرونی محقق به بررسی اصالت و نقد صحت منابع می‌پردازد. او سؤال‌هایی را درباره منابع تاریخ مطرح می‌سازد: آیا این منبع واقعی و اصیل است؟ آیا منبع مورد نظر نسخه اصلی است؟ چه کسی آن را نوشته است؟ برای پاسخگویی به سؤال‌های مطرح شده عوامل بسیار زیادی باید مورد بررسی قرار گیرند. برای مثال، نوع نگارش، خط، تایپ و زبان به کار برده شده در سند یا مدرک باید مورد بررسی و انتقاد قرار گیرد. همچنین ممکن است سندی از نظر فیزیکی و شیمیایی آزمون شود؛ مانند چاپ و مرکب به‌کار برده شده، نوع کاغذ، پارچه، و به‌طور کلی مواد تشکیل‌دهنده منبع (دلور، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱). آیا این عناصر با حقایق شناخته شده درباره شخص و با اطلاعات موجود درباره تکنولوژی زمانی که در آن هنگام این آثار و اسناد درست شده‌اند، هماهنگی دارند؟ بنابراین محقق تاریخی باید با واژه‌شناسی، شیمی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، نقشه‌کشی، هنر، ادبیات، سکه‌شناسی، و کتابت قدیمی (یعنی شناسایی و کشف خطوط قدیم) آشنا باشد. یعنی، او باید در زمینه‌هایی که با موضوع مورد تحقیق او ارتباط نزدیکی دارند آموزش لازم را دیده باشد (حسن‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۶).

۲. نقد درونی؛ پس از تعیین اصالت و اعتبار اسناد، مدارک و آثار باستانی، پژوهشگر به بررسی میزان درستی، دقت و ارزش محتوای منابع تاریخی می‌پردازد. بنابراین نقد درونی، ارزش‌یابی محتوای منابع است. یک منبع تاریخی ممکن است اصیل باشد اما در مورد آن

می‌توان سؤال‌هایی به شرح زیر مطرح ساخت: آیا محتوای منبع واقعیت را نشان داده است؟ نویسنده یا خالق آن چه کسی بوده است؟ آیا توانایی و لیاقت علمی و عملی انجام چنین کاری را داشته است؟ آیا تعصب و گرایش خاصی نداشته است؟ آیا انگیزه‌ای برای تحریف گزارش داشته است؟ آیا تحت تأثیر فشار، ترس یا غرور بوده؟ چه مدت پس از رویداد واقعه گزارش آن را تهیه کرده‌اند؟ آیا توانسته‌اند آنچه را که اتفاق افتاده به درستی به‌خاطر بیاورند؟ معمولاً پاسخ دادن به این سؤالات دشوار است اما مورخ باید از اعتبار و دقت داده‌ها مطمئن باشد. فقط در این صورت است که می‌تواند آنها را به عنوان شواهد تاریخی معتبر به کار ببرد. مشخص کردن معنی یک اظهار نظر اصطلاح فنی یا واژه قدیمی می‌تواند کار پیچیده‌ای باشد که به دانش قابل ملاحظه‌ای در زمینه تاریخ قوانین، آداب و رسوم و زبان‌ها نیاز دارد. در نقد درونی تعلق منبع به زمان و مکان معین و همچنین زبان اصلی به‌کار برده شده در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. زبان از منابع بسیار قدیمی است و معنای بسیاری از واژه‌ها با معنای آنها در زمان حال تفاوت پیدا کرده است. بنابراین پژوهشگر باید معنای لغات جملات و واژه‌های فنی و پیچیده را مورد ارزشیابی قرار دهد.

گرچه نقد درونی را می‌توان به‌طور مستقیم از طریق ارزشیابی محتوای منابع انجام داد، اما ارزشیابی ویژگی‌های نویسنده یا خالق منابع نیز ضروری است. برای مثال آیا نویسنده در زمان وقوع حادثه حضور داشته است؟ آیا در زمینه آنچه را که به‌وجود آورد، تخصص لازم را داشته باشد؟ آیا او آنچه را که مشاهده کرده به‌طور دقیق شرح داده است (دلاور، ۱۳۸۱: ۲۴۲ و حسن زاده، ۱۳۸۲: ۹۷-۱۹۶).

نکات قوت و ضعف روش تحقیق تاریخی

یکی از انتقادهایی که بر روش تاریخی وارد است، این است که ادعای قابلیت پیش‌بینی و وسوسه تعمیم را دارد. اما آیا می‌توان برای حرکت تاریخ قانونی علمی داد، و هدف آن را پیش‌بینی کرد؟ به دلایل چند پاسخ به این سؤال منفی است؟ اولاً، قانون علمی را برای حوادثی می‌توان داد که تجربه‌پذیر باشند و حوادثی تجربه‌پذیرند که تکرارپذیر باشند. مجموعه تاریخ بشری واقعه‌ای است که یک‌بار بیشتر اتفاق نیفتاده و از ابتدا تاکنون فقط یک راه خاص را پیموده است. ثانیاً حتی اگر فرضاً چنان قانونی یا قوانینی کشف یا پیشنهاد شوند، به خاطر اینکه ابطال ناپذیرند علمی نخواهند بود. قانون ابطال‌پذیر یعنی قانونی که در صورت غلط بودن، نادرستی آن از راه تجربه کشف شدنی باشد و قوانین تاریخ به فرض وجود، چنین نیستند. یعنی اگر دورغ باشند راه کذب آنها بر ما بسته است. ثالثاً اکتشافات علمی آینده را قوانین تاریخی نمی‌توانند پیش‌بینی کنند و اگر قبول کنیم که اکتشافات علمی اثرشگرفی به تحویل و جهت‌گیری تاریخ دارند باید بپذیریم که قوانین تاریخی از دادن جهت و مسیر به تاریخ عاجزند.

محقق تاریخی خواه ناخواه در معرض این خطر قرار دارد که حتی برای یک لحظه زمان خود را با زمان مورد مطالعه یکسان بدارد و در نتیجه حرکت و ناهمسانی ناشی از آن را از یاد ببرد. مسئله دیگر این است که پدیده‌های تاریخی بی‌واسطه قابل مطالعه نیستند و البته امکان احیای آنها نیز در دست نیست. گاهی واسطه‌ها دور، دست نیافتنی و متعددند و در مواردی بین اندیشه‌ها تضاد و تخالف دیده می‌شود. این از آن روست که ذهنیت عاملی مؤثر در نقل

پدیده‌هاست. یکی از این عوامل ذهنی، گزینش است. هر محقق تاریخی از زاویه خاصی نظر می‌کند و از روزنه همان زاویه حوادث و مسببات آنها را بر می‌گزیند. هیچ دو محقق تاریخی از یک حادثه یک نوع تفسیر و تاریخ نمی‌نویسند. به تعداد محققان، می‌توان تاریخ داشت. یعنی نه تنها در گزیدن چهره‌های از حوادث ناگزیریم، بلکه در گزیدن خود حوادث نیز چاره نداریم. به دنبال تاریخ عینی گشتن یعنی فقط توصیف حوادث را کردن، که نه ممکن است و نه مطلوب. دخالت و درهم آمیختگی عین و ذهن مشهور و ملموس است و نباید بیهوده خود را به نام بی‌طرفی فریفت که ما حوادث را همچنان‌که بوده، شرح می‌دهیم و از دخالت عنصرهای ذهنی خودداری می‌ورزیم. حال که باید حوادث را برگزید. این گزینش بر اثر چه عواملی صورت می‌پذیرد؟ تردید نیست که "زاویه دید" و "معیارها و ارزش‌های مورخ" و نیز "مسائل هر دوره" از مهم‌ترین عوامل هستند. برای ما که به حکم تربیت و آموزش خاص، ارزشیابی خاص داریم و نیز به حکم تعلق به تاریخ و جغرافیای مخصوص، مسائل ویژه خود را داریم و به حل آنها نیازمند و علاقه‌مندیم، قطعاً تاریخ و تصاحب زمانی حوادث در آن به مشکل خاصی جلوه خواهد کرد (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۳۸-۳۴).

موضوع مهم دیگر، غیرزنده بودن واقعیت‌های تاریخی و عدم امکان مراجعه به آنها به‌طور مستقیم است. همچنین محقق تاریخی نمی‌تواند از چند روش (مصاحبه، مشاهده و...) استفاده و عدم امکان کنترل صحت داده‌ها متغیرها را کنترل کند.

محقق تاریخی به‌رغم مطالب پیش گفته، با توجه به فاصله‌ای که با واقعیت مورد مطالعه دارد می‌تواند آن را همچون یک منجم در یک کهکشان ببیند. محققی که دوران ناصرالدین شاه و امیر کبیر را مطالعه می‌کند، این حوادث را در کنار حوادث اروپا، نظیر ارتقای بیسمارک در آلمان و کاوور در ایتالیا می‌بیند و سقوط و عظمت ملل را در کنار یکدیگر تماشا می‌کند. محقق در روش تاریخی با واقعیت مورد تحقیق چنان خو نمی‌گیرد که نکات مثبت و منفی آن را نبیند. برای روشن شدن این موضوع می‌توان مثال خیاط را آورد: خیاطی به دیدار پاپ اعظم نائل می‌شود پس از آن از وی می‌پرسند پس از سال‌ها انتظار توفیق دیدار یافتی چه دیدی؟ جواب می‌دهد یقه پیراهنش سه سانت گشاد بود. منظور آغشته شدن انسان به محیط حرفه‌ای و به همان نسبت نقص ادراک انسانی است. این مرد در برابر آن همه عظمت و اتیکان و سخن پاپ چنان اسیر محیط حرفه‌ای خود بود که تنها اندازه یقه پیراهن پاپ را دید: بنابراین خوگرفتن مفرط با واقعیت از بی‌طرفی می‌کاهد، اندیشه انسانی را محصور و محدود می‌سازد که محقق تاریخی از آن مبری است.

در روش تاریخی با فاصله گرفتن از واقعیت (به‌ویژه وقایع سیاسی - اجتماعی) بهتر می‌توان آن واقعه و عوامل درست و پشت پرده آن را دید. سازمان‌های جاسوسی غرب معمولاً هر سی سال یک‌بار اطلاعات محرمانه خود را منتشر می‌کنند. با گذشت زمان اندیشه‌ها مطرح می‌شوند و از برخورد آنان برق حقیقت جهیدن آغاز می‌کند. مردمی که در زمان مشروطیت زندگی می‌کردند به‌درستی از قصد کارگزاران و عوامل آن اطلاع نداشتند اما امروزه محققان آن را روشن‌تر می‌بینند. محقق تاریخ می‌تواند نه تنها واقعیت که تبعات و استمرار آن را نیز ببیند (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۴۰-۳۹).

کاربرد روش تحقیق تاریخی در ارتباطات

تحقیق تاریخی هم قدیمی‌ترین و هم مدرن‌ترین شکل در مطالعات ارتباطی است. روش‌های دیگر تحقیق از نیمه دوم قرن بیستم از علوم رفتاری و علوم اجتماعی در مطالعات تاریخی عمومیت پیدا کرد. در ابتدا محققان ارتباطی، روش‌های تحقیق علوم رفتاری و اجتماعی را با دلگرمی تمام به عنوان روش‌های پاسخگو به مسائل ارتباطی پذیرفتند، اما با رشد تحقیقات ارتباطی این روش‌ها تازگی خود را از دست دادند و در پاسخگویی به مسائل ارتباطی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند و دانشگاهیان با وقوف به این محدودیت‌ها، به منظور دقت در مسائل ارتباطی به پالایش و آسیب‌شناسی این روش‌ها اقدام کردند (start & solan, 1989: xii).

روش‌های تحقیق تاریخی از گذشته‌ای طولانی برخوردارند. محققان تاریخی با بررسی رویه‌های قدیمی و پالایش آنها و اقتباس از روش‌های به کارگرفته شده دیگر محققان، به روش ثابت شده و منظمی برای مطالعه گذشته رسیده‌اند. روش تاریخی از توانایی ذاتی برخوردار است که برخلاف دیگر روش‌های مورد استفاده در تحقیقات ارتباطی، برای مطالعه سیر تحول تجربه‌های انسانی و زندگی انسان به‌طور کلی مناسب است. این روش یکی از روش‌های پیشگام در روش‌شناسی مطالعات اجتماعی و ارتباطی معاصر است (Ibid: xiii).

مطالعه تاریخی به محقق ارتباطی کمک می‌کند تا افراد، شرایط و زمان‌های متغیر، ظهور و افول تکنولوژی‌های ارتباطی، سازمان‌های انتشاراتی و سازمان‌های پخش (رادیو و تلویزیونی) و همچنین پویایی و جاودانگی ماهیت انسانی، نهاد انسانی، روابط انسانی و روح انسانی را درک کند (Ibid: xii).

میشل شادسون مطالعات و تحقیقات تاریخی در زمینه ارتباطات را به سه نوع تقسیم کرده است که هر کدام از محققان ارتباطی به بخشی از آن توجه کردند: ۱. تاریخ کلان، ۲. تاریخ خاص، ۳. تاریخ نهادی (Schudson, 1991: 176).

۱. **تاریخ کلان ارتباطات:** تاریخ کلان ارتباطات شناخته‌شده‌ترین نوع مطالعه تاریخی در زمینه ارتباطات است که رابطه رسانه‌های جمعی را با تکامل بشر (ماهیت انسانی، رشد، نوسازی و...) مورد بررسی قرار می‌دهد و این سؤال را مطرح می‌کند که «چگونه تاریخ ارتباطات، ماهیت انسان را روشن می‌کند؟» این زمینه در مشروع ساختن حوزه ارتباطات به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی بسیار تأثیرگذار بوده است. شخصیت‌های اصلی در این حوزه، متفکران کانادایی از جمله هارولد اینیس (۱۹۵۱) و مارشال مک لوهان (۱۹۶۲) هستند. آنها میراث مختلطی را به‌جای گذاشته‌اند که از یک سو به دلیل بینش خود سبب جذب علاقه دیگران به ارتباطات شدند و از سوی دیگر به دلیل ادعای‌های بزرگ مورد تردید قرار گرفتند. البته افراد دیگری همچون، جک گودی و جان وات (۱۹۶۳) و والتر اونگ (۱۹۸۲)، اریک هاولوک (۱۹۸۶) نیز در این حوزه نقش فعالی داشته‌اند. اخیراً افراد دیگری نیز با دسترسی به همین منابع و دانش‌نامه‌ها در مورد شناخت کلی تاریخ ارتباطات مطالبی نوشته‌اند.

۲. **تاریخ خاص ارتباطات:** تاریخ خاص ارتباطات کمترین رشد را در میان سه نوع تاریخ مذکور پیدا کرده است. این تاریخ، رابطه رسانه‌ها را با تاریخ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بررسی می‌کند و به این سؤال پاسخ می‌دهد که «چگونه تغییرات در شیوه‌های ارتباطات بر عرصه‌های فرهنگی اجتماعی و... تأثیر می‌گذارد و چگونه از آنها

تأثیر می‌پذیرد؟» این موضوع به وسیله الیزابت ایزنستین (۱۹۷۹) تغییر از فرهنگ کتابت به چاپ و تأثیر آن تغییر بر امور سیاسی، علم و تفکر اجتماعی را نشان داده است. همچنین بررسی چاندرا موکرجی (۱۹۸۳) در مورد «چاپ به عنوان وسیله و انگیزه توسعه سرمایه‌داری» این موضوع را نشان داده است. یورگن هابرماس (۱۹۸۹) نیز این موضوع را در مورد نقش ارتباطات در افزایش حوزه عمومی دموکراتیک و سرمایه‌داری نشان داده است. میشل شادسون (۱۹۷۸) نیز در تحقیق خود در زمینه «عینیت‌گرایی در روزنامه‌نگاری آمریکایی» به بررسی تأثیر این ایدئولوژی شغلی بر تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمریکا پرداخته است (Ibid: 177-78).

۳. **تاریخ نهادی ارتباطات.** این روش تاریخی توسعه رسانه‌ها و نهادهای رسانه‌ای را مطالعه می‌کند و این سؤال را مطرح می‌کند که «چگونه این نهادهای ارتباطات جمعی توسعه پیدا کرده‌اند؟» تاریخ‌های مربوط به نهادهای ارتباطی گسترده است و صدها تاریخ مربوط به روزنامه‌ها، مجلات و شرکت‌های انتشاراتی و پخش (راديو-تلویزیونی) افراد و مقامات و شرکت‌های فیلم وجود دارد. تحقیقاتی که آسا بریگس طی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۹ در بی‌بی‌سی انجام داد و همچنین تحقیقاتی که اریک بارناو طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰ در زمینه «پخش رادیو-تلویزیونی آمریکا» انجام داد، در این زمینه است. همچنین صدها زندگی‌نامه شخصی، زندگی‌نامه‌های گزارشگران، ویراستاران، ناشران، عاملان تبلیغاتی، فیلمسازان، شاعران، رمان‌نویسان و بازیگران مرد و زن وجود دارد که اجزای سازنده تاریخ نهادی ارتباطات هستند (Ibid: 179).

بنابراین ارتباطات را می‌توان به عنوان یک حوزه مطالعاتی با روش تحقیق تاریخی مورد مطالعه قرار داد و در هر رویداد ارتباطی جای زیادی برای تحقیق تاریخی آگاهانه وجود دارد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان گردید، روش تحقیق تاریخی، به عنوان یک روش علمی با قابلیت بازسازی عینی و تحلیل رویدادهای گذشته، در علوم انسانی و اجتماعی به ویژه ارتباطات برای بررسی به کار گرفته می‌شود. آنچه که باید در استفاده از این روش مدنظر قرارداد، این است که محقق در این روش با یک گذشته از دست رفته و جهت دار روبه‌روست که این امر پژوهش در موضوعات تاریخی و شیوه‌های بررسی آنها را با پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی مواجه کرده است. اشراف داشتن و مسلط بودن به روش تحقیق تاریخی و موضوع تحقیق و تعیین میزان غوطه‌وری در موضوع می‌تواند راهگشای پیشبرد مراحل تحقیق شود. یعنی اگر روش‌های تحقیق را به ابزار گشودن پیچ و مهره‌های مسائل و موضوعات مورد سؤال در موضوع‌های ارتباطات تشبیه کنیم، باید بدانیم که با روش تاریخی می‌توان پیچ کدام مسئله را باز کرد و اینکه آیا اصلاً این ابزار، ابزار مناسبی برای این موضوع است یا نه؟ محقق تاریخی در پی گزارش وقایع نیست. (همانند مورخ)، بلکه به بازسازی وقایع گذشته تاریخی و تحلیل آنها، با بررسی منابع دست اول و منابع دست دوم معتبر و مستند می‌پردازد. به‌ویژه در مرحله نقد و ارزیابی اسناد و منابع تاریخی باید تمامی جزئیات و ظرایف روش تاریخی رعایت شود تا محقق بتواند

به واقعیت نزدیک شود. چرا هدف روش تاریخی، همانند تمامی علوم و روش‌های تحقیق، نزدیک‌شدن به واقعیت است. به‌طور کلی باید گفت که روش تاریخی می‌تواند به‌عنوان یکی از بهترین روش‌های علمی مورد توجه و استفادهٔ محققین رشتهٔ ارتباطات قرار گیرد. اگرچه کاربرد آن همانند تمامی روش‌های تحقیق علمی نیازمند رعایت دقیق مراحل تحقیق و بازبینی و کنترل تمام مراحل برای کم‌کردن خطاها و اشتباهات و جهت‌گیری‌های محقق در جهت نزدیک شدن به واقعیت است.

منابع

- ایزاک، اسنفن و ویلیام.ب. مایکل. راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی، ترجمه مرضیه کرمی‌نیا، مشهد: نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- حسن زاده، رمضان. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر ساوالان، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۲.
- خلیلی شورینی، سیاوش. روش‌های تحقیق در علوم انسانی. نشر مؤسسه یادواره کتاب، ۱۳۷۵.
- دلاور، علی. مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، نشر رشد، ۱۳۸۰.
- ساروخانی، باقر. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران نشر پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۷.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه، پاییز ۱۳۷۶.
- نبوی، بهروز. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی. نشر فروردین، آذرماه ۱۳۶۶.

Nord, Paul David.(1989), "the Nature of Historical Research", ch. 15 in *Research Methods in Mass Communication*, eds, by Gudio stempel and Bruce H. Westley(eds), Englewood cliffs,NJ:Prentice-Hall.

Smith, Yodeles Mary Ann. (1989), "the Method of History". ch 16 in *research methods in mass communication*, eds, by Gudio stempel and Bruce H. Westley(eds), Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Schudson Michael(1991), "Media contexts:historical approaches to communication studies",chapter 10 in a handbook of qualitative *Methodologies for Mass communication Research*,edited by Klaus Bruhn Jensen and Nicholas W.jankowski 1991,Routledge

Startt, James D.& Sloan , William David (1989), "Historical Methods" in *Mass Communication*, Contributors, Publisher: Lawrence Erlbaum Associates: Hillsdale, NJ. Publication Year.



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پر تال جامع علوم انساني